

مناسبات اقتصادی ایران و آفریقا: فرصت‌ها و تهدیدها

سلیمان حیدرپور دعویسرا

کارشناس مسائل آفریقا- وزارت امور خارجه

چکیده

رشد جمعیت و نیاز بیشتر به منابع، فرصت‌های اقتصادی و تجاری برای رفع مشکلاتی چون فقر، گرسنگی، بیکاری و انرژی، کشورهای جهان را وادار کرده است تا به فکر چاره‌جویی باشند. در این خصوص سه دسته از کشورها هستند که به دلایلی، چون توسعه‌نیافتگی در زمینه‌های اقتصادی و عمرانی و صنعتی، رشد اقتصادی بالا و نیاز به انرژی فراوان، درآمد مازاد و نیاز به سرمایه‌گذاری برای رفع بیکاری و صادرات محصولات، ناچارند به دنبال منابع مالی، انرژی، مواد خام و بازارهای تازه باشند.

قاره آفریقا با قدمتی هزاران ساله، قدیم‌ترین قاره جهان با بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر مربع معادل یک‌پنجم خشکی‌های کره زمین، ۵۴ کشور مستقل و جمعیتی بالغ بر ۹۰۰ میلیون نفر حدود هفده درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است. این قاره از نظر منابع کانی و طبیعی غنی‌ترین و در عین حال به لحاظ توسعه‌نیافتگی و فقر در ردیف عقب‌مانده‌ترین قاره جهان محسوب و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ م. جمعیت آفریقا به ۲ میلیارد نفر برسد. با توجه به درآمد مازاد ناشی از فروش نفت در ایران، تورم ناشی از افزایش نقدینگی، مشکل بیکاری و نیاز به مواد خام و بازار مصرف محصولات، توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد قاره آفریقا برای سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی ضروری است. با توجه به اهداف یادشده، مقامات بلندپایه کشور با هدف حمایت از محرومان، رسیدن به اهداف چشم‌انداز سند بیست‌ساله و کمک به مسلمانان، می‌توانند علاوه بر صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی و رفع بیکاری در داخل کشور، با نیروی انسانی ماهر و دانش فنی در توسعه و پیشرفت آفریقا نیز گام مؤثری بردارند.

کلید واژه‌ها: همکاری اقتصادی، فقر، بیکاری، سرمایه‌گذاری، توسعه

مقدمه

با توجه به افزایش جمعیت آفریقا و عقب‌ماندگی آن از نظر زیرساخت‌های اقتصادی، عمرانی و صنعتی و در عین حال قابلیت‌های بسیار زیاد برای توسعه در همه زمینه‌ها، قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان این قاره را بازار مصرفی بزرگ برای سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و درازمدت با آینده‌ای پرسود تلقی می‌کنند و هر یک برای پیشی گرفتن از دیگری در بخش‌های اقتصادی، تجاری، عمرانی و صنعتی آفریقا، در امر انرژی سرمایه‌گذاری میلیاردی کرده و یا میلیاردها دلار از بدهی آفریقا را بخشیده‌اند. (علمی، سایت سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۸۶ در www.top.ir)

اکنون باید پرسید با توجه به وضعیت اقتصادی موجود آفریقا، رقابت کشورها در بازار مصرف و سرمایه‌گذاری در این قاره و روابط دیرینه ایران و آفریقا، جمهوری اسلامی ایران در آفریقا چه جایگاهی دارد؟ آیا ایران نیز همانند دیگر قدرت‌ها وضعیت یادشده را فرصتی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف این قاره می‌داند؟ آیا کارهای پژوهشی و تحقیقی در زمینه همکاری اقتصادی و تجاری در آفریقا انجام داده و یا مقدمات چنین همکاری را فراهم کرده است؟ حجم همکاری اقتصادی ایران و آفریقا در مقایسه با همکاری ایران با چهار قاره دیگر چه بخشی از درآمد ناخالص و یا همکاری اقتصادی ایران را با جهان تشکیل می‌دهد؟ براساس آمار و ارقام، روابط ایران و آفریقا به مراتب پایین‌تر از آن سطحی است که انتظار می‌رود. به‌راستی علت وضعیت نامناسب موجود در آفریقا که حدود یک‌ششم جمعیت و یک‌پنجم خشکی جهان را تشکیل می‌دهد، چیست؟ سند چشم‌انداز بیست‌ساله و اظهارنظر مقامات ارشد کشور در همکاری با آفریقا نه تنها مثبت است، بلکه برای تحقق آن تأکید فراوانی نیز دارند. در این مقاله سعی شده است با اشاره کوتاه به گذشته روابط ایران و آفریقا، مناسبات اقتصادی ایران و آفریقا حول دو محور فرصت‌ها و تهدیدها مطالعه و بررسی شود.

روابط ایران و آفریقا

پیشینه روابط ایران و آفریقا به هزاران سال قبل باز می‌گردد. متأسفانه رویکرد کامل ایران به غرب و بی‌توجهی به آفریقا از سوی سیاستمداران باعث شده، امروزه مردم آفریقا را از دریچه اخبار منفی بنگرند و توجهی به جایگاه واقعی آفریقا در جهان نداشته باشند. هم‌اکنون حجم مبادلات چین با آفریقا به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ م.

رسیده است که این آمار بیش‌تر از پیش بینی این رقم در سال ۲۰۱۰ است در حالی که این مقدار از حجم مبادلات تا یک دهه پیش از چند میلیارد دلار بیشتر نبوده است. به‌رحال وقفه چندصد ساله در روابط ایران و آفریقا پس از «تسلط کامل غرب بر این قاره» تا استقلال آن و بازگشت به این دوره و بررسی پیامدهای آن نیاز به تحلیل جداگانه دارد؛ اما برای توسعه مناسبات اقتصادی با آفریقا و تکرار نکردن اشتباه‌های گذشته، بررسی روابط ایران با آفریقا پیش‌درآمد تحولات آینده خواهد بود.

اگرچه روابط سیاسی عصر جدید ایران و برخی از کشورهای آفریقا از دهه دوم قرن بیستم آغاز شد، این روابط زمانی تحکیم یافت که کشورهای آفریقا استقلال یافتند. در رژیم گذشته با توجه به بلوک‌بندی موجود، مناسبات ایران با آفریقا با گرایش به غرب تنظیم شده بود. اما در دوره جمهوری اسلامی، رویکردها کاملاً تغییر کرد و روابط به‌گونه‌ای تنظیم شد که شائبه همسویی با منافع بلوک شرق در آفریقا را در اذهان تداعی می‌کرد.

مناسبات ایران با آفریقا در دوره پهلوی دوم با در نظر گرفتن مقتضیات پایان جنگ جهانی دوم، تبعید رضاشاه و چگونگی به قدرت رسیدن فرزندش برنامه‌ریزی شده بود. هدف دولت محمدرضا برخلاف شعارهایش - همزیستی مسالمت‌آمیز با همه کشورهای به‌دور از لحاظ کردن مسائل ایدئولوژیک - دفاع از سرمایه‌داری غرب و مقابله با کمونیسم بود. شخص شاه و سود اقتصادی دو عامل تعیین‌کننده در ایجاد ارتباط با آفریقا بودند؛ از این‌رو، داشتن روابط خوب با تعداد اندکی از کشورهای آفریقایی بعضاً پیشرفته و بی‌توجهی به کشورهای وابسته به بلوک شرق و عقب‌مانده برای شاه امری طبیعی بود. گفتنی است که برخی از رهبران کشورهای وابسته به بلوک شرق برای ایجاد ارتباط با ایران التماس پذیرش نماینده از سوی شاه می‌کردند که مورد موافقت قرار نمی‌گرفت. بیان خاطره تکراری کنت کائوندا، رئیس‌جمهور اسبق زامبیا، برای هیئت‌های ایرانی پس از انقلاب گواهی بر این ادعا است: «نماینده ما در جده منتظر ویزای ایران بود که مقامات ایرانی به او پیام دادند، اگر می‌خواهد برای تفریح به ایران سفر کند، بلامانع است.» (پاک‌آیین، ۱۳۷۷: ۷۰)

برقراری مناسبات ایران با تعداد معدودی از کشورهای آفریقایی چون مصر، تونس، الجزایر، مراکش، سومالی، سنگال و کنگو براساس معیارهای سیاسی، اقتصادی، استراتژیک بودن این کشورها و یا ارتباطات شخصی رژیم شاه با سران این کشورها تنظیم می‌شد. همچنین اعزام نیروی نظامی ایران به سومالی برای مقابله با رژیم

کمونیستی اتیوپی را باید در چارچوب اهداف تقابل غرب و شرق ارزیابی کرد. اگرچه در تنظیم روابط رژیم پهلوی با تعداد معدودی از کشورهای آفریقایی، علایق شخصی شاه دخیل بود، پشت پرده این علایق اهداف استراتژیک سیاسی و اقتصادی نیز نهفته بود. در این نوشته سه کشور مصر، تونس و آفریقای جنوبی انتخاب شده‌اند که هر یک به لحاظ موقعیت سوق الجیشی، اقتصادی و صنعتی از اهمیت بسیاری برخوردارند.

مصر در کنار سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و مجاورت با دریاهای مدیترانه، سرخ و آبراه حیاتی سوئز، اهمیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای در منطقه پیدا کرده و اهمیت فرهنگی آن نیز مزید بر علت است. به طوری که «روابط گرم ایران و مصر منجر به سرمایه‌گذاری نزدیک به نیم میلیارد دلار از سوی دولت پهلوی در مصر شد.» (پاک‌آیین، سایت اندیشه) تونس دومین کشوری بود که مورد توجه شاه قرار گرفت. اگرچه تونس از لحاظ فرهنگی و اقتصادی اهمیت مصر را نداشت، اما موقعیت ژئوپلیتیک این کشور باعث شده بود روابط ایران با این کشور گسترش یابد.

آفریقای جنوبی سومین کشور آفریقایی بود که رژیم شاه روابط ویژه‌ای با دولت نژادپرست این کشور داشت. روابط دوستانه ایران با آفریقای جنوبی در جایگاه یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان به لحاظ اقتصادی و داشتن رهبری مبارزه با کمونیسم در منطقه قابل توجه می‌شد. علاوه بر آن، همان‌گونه که ایران در خاورمیانه دیوار حائل میان سرمایه‌داری و کمونیسم بود، آفریقای جنوبی نیز چنین نقشی را در آفریقا ایفا می‌کرد. نیاز بازار مصرفی آفریقای جنوبی به نفت ایران - ایجاد پالایشگاه توسط ایران در این کشور و تأمین ۹۰ درصد نفت مورد نیاز آفریقای جنوبی از سوی ایران - و موقعیت ژئوپلیتیک آن، به‌ویژه مجاورت با دماغه امیدنیک و محل برخورد دو اقیانوس اطلس و هند از دلایل عمده ایران برای تحکیم روابط با حکومت پرتوریا بود.

با آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، حمایت از محرومان سرلوحه سیاست خارجی نظام ایران قرار گرفت بیش از نیمی از جمعیت این قاره را مسلمانان تشکیل می‌دهند (با توجه به عقب‌ماندگی بسیار و نبود آمار و ارقام رسمی درست از سوی کشورهای آفریقایی به‌طور دقیق نمی‌توان جمعیت مسلمانان را تخمین زد و دو مؤسسه معتبر جهانی Encyclopedia Britannica و World Book Encyclopedia نیز با اختلاف فاحشی جمعیت مسلمان آفریقا را به ترتیب ۴۰/۵ درصد و ۱۵۰ میلیون بیان کرده‌اند. - مبارزه با نژادپرستی، برخورداری از آرای کشورهای قاره آفریقا علیه دولت عراق در جنگ تحمیلی ایران و مسائل حقوق بشر در مجامع بین‌المللی، همکاری جنوب

- جنوب و غیرمتعهدها، اساس سیاست خارجی ایران پس از انقلاب در آفریقا می‌باشد. گشایش نمایندگی‌های سیاسی در کشورهای این قاره به ویژه کشورهای خط مقدم مبارزه با نژادپرستی در آفریقا، قطع مناسبات با آفریقای جنوبی و حمایت از حزب کنگره ملی و دیگر مخالفان رژیم نژادپرستی در سطح منطقه و جهان از جمله اقدامات جمهوری اسلامی ایران در این قاره بود. ایران تا سال ۱۹۷۹ تأمین‌کننده اصلی نفت آفریقای جنوبی بود و به یکباره پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط سیاسی و اقتصادی خود را با این کشور به تعلیق درآورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار برقراری روابط سیاسی و تجاری؛ فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی از سوی جهاد سازندگیدر این قاره صورت گرفت، اما این فعالیت‌ها کم‌تر از حد انتظار بوده است. به دلیل نبود سیاست مدون و کاربردی، روابط ایران با قاره سیاه در این مدت با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده است.

نگاهی به آمار گمرک جمهوری اسلامی درخصوص روابط تجاری ایران و آفریقا بین سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۳ و مقایسه آن با چهار قاره دیگر نشان می‌دهد آفریقا، جایگاهی در روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران ندارد. (کردآبادی، ۱۳۸۵، ۴۷) با توجه به همین آمار، در سه سال اخیر وضعیت بهتر از گذشته نبوده و با توجه به کاهش بهای دلار، روابط تجاری میان ایران و آفریقا چندان رشدی نداشته است. جدول شماره یک و دو میزان صادرات و واردات ایران و آفریقا را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: صادرات ایران به جهان و مقایسه آن با آفریقا در سال‌های

(۱۳۸۳-۱۳۷۶) (میلیون دلار)

نام قاره	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۷۶	میانگین چندسال
اروپا	۱۵۱۳	۱۱۱۷	۳۳۱۷	۱۲۲۰	۱۷۹۱
آسیا	۴۹۸۳	۴۵۰۹	۹۶۸	۱۵۳۰	۲۹۹۷
آمریکا	۱۸۴	۲۰۱	۱۸۷	۷۷	۱۶۲
اقیانوسیه	۲۲	۱۹	۱۴	۹	۱۶
آفریقا	۱۴۶	۱۲۷	۱۲۲	۳۷	۱۰۸
کل	۶۸۴۸	۵۹۷۳	۴۶۰۸	۲۸۷۳	۵۰۷۴

(سالنامه آمار بازرگانی خارجی)

جدول شماره ۲: واردات ایران از جهان و مقایسه آن با آفریقا در سال‌های
۱۳۷۶-۱۳۸۳ (میلیون دلار)

نام قاره	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۷۶	میانگین چندسال
اروپا	۱۸۱۸۰	۱۳۸۷۴	۱۲۷۷۳	۷۶۵۰	۱۳۰۹۶
آسیا	۱۵۷۰۱	۱۱۱۴۳	۷۶۱۹	۳۷۷۰	۹۵۵۸
آمریکا	۱۱۷۸	۱۲۸۵	۱۳۵۶	۱۹۵۷	۱۴۴۴
اقیانوسیه	۱۷۶	۲۳۵	۳۹۲	۵۴۹	۳۳۸
آفریقا	۱۵۳	۱۵۲	۱۳۶	۲۶۸	۱۷۷
کل	۳۵۳۸۸	۲۶۵۹۹	۲۲۲۷۶	۱۴۱۹۴	۲۴۶۱۳

(سالنامه آمار بازرگانی خارجی)

«از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که میانگین صادرات ایران به آفریقا از مرز ۱۰۸ میلیون دلار و واردات نیز از مرز ۱۷۷ میلیون دلار نگذشته است و این در حالی است که میانگین واردات ایران در همین چند سال از جهان بیش از ۲۴ میلیارد و صادرات ۵ میلیارد دلار بوده است.»

با توجه به مطالب ارائه شده در ادامه این مقاله سعی شده است با توجه به آثار منفی و مثبت مناسبات پنجاه سال گذشته، روابط اقتصادی ایران و آفریقا حول محور فرصت‌ها و تهدیدها ارزیابی شود.

قابلیت‌های بالقوه

اگرچه نام آفریقا همواره یادآور فقر و نداری، خشکسالی و قحطی و انواع بیماری‌ها بوده است، براساس برآوردهای بین‌المللی ۹۶ درصد الماس، ۹۰ درصد کروم، ۸۵ درصد پلاتین، ۸۰ درصد کولتان (ماده‌ای که برای افزایش ذخیره باتری در موبایل و فانتزی کردن گوشی‌های همراه به کار برده می‌شود)، ۶۵ درصد طلا، ۵۵ درصد کبالت، ۵۰ درصد فسفات، ۴۰ درصد بوکسیت، ۱۳ درصد مس و ۳۰ درصد توریوم و اورانیوم جهان در آفریقا قرار دارد. این در حالی است که آفریقا مالک ۲۰ تا ۲۵ درصد بالقوه هیدروالکتریک جهان نیز هست که تاکنون بخش کوچکی از آن به کنترل درآمدی است. آهن، قلع، روی، سرب، زغال‌سنگ، سنگ‌های قیمتی و نیکل در آفریقا به وفور یافت می‌شود. دست کم ده

کشور این قاره، همچون نیجریه، لیبی، گابن، الجزایر، آنگولا و سودان از صادرکنندگان نفت هستند.

به دلیل بارندگی فراوان، بیشتر زمین‌های این قاره حاصلخیز است و جنگل‌های انبوه در کنار مزارع سرسبز، از ثروت‌های طبیعی آفریقا محسوب می‌شود. ظرفیت‌های اقتصادی در این قاره براساس شواهد و گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی چشمگیر است. قاره آفریقا دارای استعداد بالقوه فراوانی برای فعالیت‌های اقتصادی است که برای برخی از کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران شناخته‌شده نیست. وجود ۱۸۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ۱۵ درصد جنگل‌های جهان، و ۲۵ درصد مراتع دنیا در این قاره مؤید این نظر است. این قاره ۱۵ درصد از کل جمعیت جهان را دربر گرفته و در بخش کشاورزی ۶۵ درصد از نیروی کار جهان را داراست. بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ م میانگین رشد اقتصادی آفریقا، معادل ۵/۱۶ درصد در سال بوده است. صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی آفریقا را مبتنی بر قدرت خرید مردم در سال ۲۰۰۷ م. حدود ۲۵۷۲ میلیارد دلار برآورد کرده است. شایان ذکر است ثروت آفریقا ورای آمار و ارقام یادشده است و تجارت غیر رسمی در این قاره حدود یک‌سوم تجارت قانونی آن را رقم می‌زند. میزان صادرات و واردات آفریقا نمودار میزان توانمندی این قاره در جذب و صدور محصولات نفتی، کشاورزی، غذایی، البسه، فنی، بهداشتی، صنعتی و کانی است. «کارشناسان حجم نقل و انتقال غیرقانونی اقتصادی در آفریقا را حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. فقط میزان درآمد ناخالص تجارت غیرقانونی چندین برابر درآمد ناخالص ملی آفریقای زیر صحر را تشکیل می‌دهد.» (Look, 1998: 145)

اکنون، انرژی به مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورها تبدیل شده است. از این رو دو غول اقتصادی چین و هند برای رشد اقتصادی خود به انرژی، گاز و نفت، به‌مثابه آب حیات نگاه می‌کنند. ضمن اینکه شرکای سنتی آفریقا، یعنی آمریکا و اروپا نیز به‌شدت در پی تسلط بر انرژی این قاره هستند (مهاجر، ۱۳۸۳: ۹). آخرین اطلاعات از ذخایر نفتی جهان نشان می‌دهد «۹/۴ درصد ذخایر نفتی جهان در آفریقا قرار دارد و در سال ۲۰۰۲ آفریقای زیر خط صحرا ۱۵ درصد نفت مورد نیاز آمریکا را تأمین می‌کرده است.» (Klare & Volman, 2006). براساس گزارش‌های اکتشافی منابع معتبر در بیش از ده کشور آفریقایی نفت و گاز کشف شده و شرکت نفت و گاز عرب در سال ۲۰۰۳ م. ذخایر نفتی کشورهای آفریقایی را معادل ۱۰۱/۸ میلیارد بشکه پیش‌بینی کرده است. با

توجه به اکتشافاتی که شرکت‌های نفتی جهان در چند سال گذشته انجام داده‌اند، این ذخایر بیش از رقم یادشده است. هم‌اکنون، نیجریه، لیبی و الجزایر بیشترین ذخایر نفتی را در آفریقا در اختیار دارند و آنگولا و سودان نیز در رده‌های پایین، ۱۰ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی را دارا هستند. «با کشف منابع نفتی بیشتر در آفریقا نقش این قاره در جهان نیز پررنگ‌تر خواهد شد.» (دهقانی، ۱۳۸۵)

از نظر ژئوپلیتیک، قرار گرفتن آفریقا در بین قاره‌های آسیا و اروپا و وجود چهار آبراه استراتژیک دریایی (کانال سوئز، تنگه جبل‌الطارق، باب‌المندب و دماغه امیدنیک) اهمیت ویژه‌ای به این قاره داده است. زبان سواحیلی که در شرق این قاره متداول است، ترکیبی از زبان‌های فارسی، عربی و ترکی است و از مهاجرت مردم کشورهای ترکیه، و ایران (مهاجران فارس و بلوچ) به این خطه پدید آمده است.

از منظر بین‌المللی، مجموعه کشورهای آفریقایی حدود یک‌سوم اعضای سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای وابسته را تشکیل می‌دهند؛ علاوه بر آن، ۴۰ درصد اعضای غیرمتمعهدها را کشورهای آفریقایی شامل می‌شوند. در واقع کشورهای جهان برای پیشبرد اهداف بین‌المللی خود به آرای این کشورها نیاز دارند؛ برای مثال، آرای آن‌ها در تلاش چین جهت جلب همکاری‌های بین‌المللی کشورهای آفریقایی در ممانعت از ایجاد کرسی تایوان در شورای امنیت بسیار مؤثر بوده است. گفتنی است که فعالیت هماهنگ کشورهای آفریقایی در سازمان ملل متحد، عامل تعیین‌کننده‌ای در استقلال نامیبیا و سقوط آپارتاید آفریقای جنوبی بود.

نقش بین‌المللی کشورهای آفریقایی همواره در تحولات جهانی مؤثر بوده است. قاره سیاه علاوه بر داشتن فضای جولان بسیار در عرصه سیاسی، اقتصادی و تجاری، در حوزه هنر و تمدن نیز غنی و پربار است. برخی از کشورهای آفریقایی، نظیر مصر دارای تمدنی غنی هستند. موسیقی، رقص‌های محلی، مجسمه‌سازی و آداب و رسوم سنتی این قاره دارای غنای هنری و جاذبه‌های فلکلوریک فراوانی است. در زمینه ورزش نیز نمی‌توان بازیکنان خلاق فوتبال آفریقایی را در جهان نادیده گرفت. هم‌اکنون ده‌ها فوتبالیست سیاه در لیگ‌های برتر اروپا بازی می‌کنند و تعدادی از آن‌ها از بهترین‌های جهان به‌شمار می‌روند. کوتاه سخن اینکه هنر آفریقایی در سال‌های اخیر راه خود را در مدارس علمی مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی جهان باز کرده است.

زبان، یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در نزدیکی ملت‌هاست و زبان فارسی از دیرباز، یعنی با ورود ایرانیان به این قاره با فرهنگ مردم برخی کشورهای آفریقا عجین

شده و علی‌رغم حاکمیت چهارصدساله غرب بر این قاره، کلمات زیادی از زبان فارسی در بین مردم، به‌ویژه شرق این قاره رایج است. هم‌اکنون زبان فارسی در کشورهایی چون مصر، تونس، مراکش، آفریقای جنوبی و... تدریس می‌شود و برخی از سفیران و مأموران سیاسی این کشورها در ایران به زبان فارسی تسلط کامل دارند. به‌رحال تأثیری که زبان فارسی بر زبان سواحیلی آفریقا نهاده، حلقه‌ اتصال فرهنگ ایرانی با فرهنگ این کشورها بوده است. (شکیبا، ۱۳۸۳: ۵۹)

جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای نقش بین‌المللی قاره آفریقا اهمیت فراوانی قائل است؛ زیرا جدا از عضویت تمامی کشورهای این قاره در سازمان ملل، بسیاری از آن‌ها در جنبش عدم‌تعهد، کنفرانس اسلامی، برخی در اوپک و دیگر نهادهای مؤثر بین‌المللی حضور دارند. (بخشی، ۱۳۸۱: ۳). اما آنچه در عمل رخ داده و می‌دهد و با توجه به ارقام و آمار روابط تجاری و اقتصادی، آفریقا جایگاهی در سیاست خارجی ایران ندارد؛ درحالی‌که فروپاشی کمونیسم، راه را برای توسعه روابط با آفریقا برای بسیاری از کشورها مهیا ساخته بود و ایران نیز می‌توانست از این موقعیت استفاده کند.

اگرچه با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، درگیری‌های ایدئولوژیک سرمایه‌داری و کمونیستی نیز در آفریقا پایان یافت، رقابت اقتصادی و تلاش در جهت تسلط بر منابع انرژی برای قدرت‌های همچنان بزرگ وجود دارد. (انوشه، ۱۳۸۵: ۹) انرژی که در یک‌صدسال اخیر همیشه عامل اصلی درگیری بوده، جایگزین جنگ ایدئولوژیک در این قاره شده است. در این میان، برخی کشورها و شرکت‌ها از فضایی که در نتیجه بازشدن بازار سرمایه و مواد اولیه در آفریقا به‌وجود آمده بود، بهره‌برداری کردند و با برنامه‌ریزی نیروی کار ماهر و بدون دخالت دادن مسائل عاطفی وارد قاره سیاه شدند.

از تحولات دهه جاری قاره آفریقا چنین برمی‌آید که رهبران این سامان می‌خواهند با دست خود و کمک کشورهای ثروتمند و استفاده از رقابت اقتصادی جهان فربه، قاره بحرانی و عقب‌افتاده آفریقا را سر و سامان دهند. سازمان‌ها و نهادهای «اقتصادی، نظامی و امنیتی شامل "جامعه کشورهای سواحلی جنوب و شرق"، "جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای مرکزی"^۲، "بازار مشترک کشورهای شرقی و جنوبی آفریقا"^۳،

1 Community of Sahel-Saharan States (CEN-SAD).

2 Economic Community of Central African States (ECCAS/CEEAC)

3 Common Market for Eastern and Southern Africa (COMESA)

جامعه مغرب عربی^۱، "جامعه اقتصادی غرب آفریقا"^۲، "جامعه توسعه جنوب آفریقا"^۳ به قصد همکاری متقابل بین کشورهای آفریقا تأسیس شده است؛ اما در عمل به دلیل جنگ‌های داخلی و اختلافات فرهنگی، زبانی و قبیله‌ای با مشکلاتی مواجه شده‌اند. «جامعه اقتصادی آفریقا» نیز با هدف ایجاد بانک مرکزی، بازار واحد، اتحادیه گمرکی، منطقه تجارت آزاد، پول واحد و اتحادیه مالی تأسیس شده است. اینکه این نهادها چه هنگامی به اهداف خود می‌رسند، جای تأمل است؛ اما همه کشورهای عضو در تلاش‌اند تا بتوانند در کوتاه‌ترین زمان نتایج مثبتی از قبل تأسیس سازمان‌های همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دست آورند. علاوه بر آن، بنای همکاری منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی آن‌ها در چندین نقطه آفریقا نمودار آن است که رهبران آفریقا تأکید دارند در توسعه همه‌جانبه قاره سیاه پس از استقلال و فروپاشی نظام دوقطبی گام‌های بلندی بردارند. تأسیس اتحادیه آفریقا به سبک اتحادیه اروپا، مهم‌ترین تلاش مردم آفریقا برای ایجاد یک کشور فدرال با پول، مجلس و دولت واحد، در آغاز هزاره سوم بوده است. (کناره، ۱۳۸۶: ۲۷۷)

تاکنون، نگرش سیاست خارجی ایران به آفریقا، گسترش روابط از طریق کمک‌های اقتصادی بوده است. نیاز آفریقا به کمک‌های مالی و اقتصادی نباید تنها عامل مشوق برای گسترش روابط باشد؛ اگرچه این نکته نباید به معنای نفی همه‌جانبه ضرورت اعطای برخی کمک‌های بشردوستانه تلقی شود. ایران در آفریقا باید به دنبال نوعی همکاری اقتصادی باشد؛ به گونه‌ای که این همکاری در عین سودمندی برای ایران، روند توسعه اقتصادی در کشورهای آفریقایی را نیز تسریع کند.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با حفظ ارزش‌های اسلامی در امر اقتصاد که از فرمول‌های علمی روز بهره‌مند است، از الگوهای رایج جهانی پیروی کند؛ الگوهایی که بازده مثبتی در امر تجارت و اقتصاد از خود به جای گذاشته است. فعالیت‌های تجاری و اقتصادی چین و هند در آفریقا الگوی مناسب برای ایران است تا همکاری‌های تجاری و اقتصادی در آفریقا را پس از بررسی همه‌جانبه و سود و زیان، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، وارد آفریقا شود. نظر به اینکه ایران تاکنون سابقه استعمار و استثمار در آفریقا نداشته است، در ذهنیت آفریقایی‌ها یاد و خاطره‌ای منفی از ایرانیان وجود ندارد.

1 Arab Maghreb Union (AMU/UMA)

2 Intergovernmental Authority on Economic Community of West African States. (ECOWAS)

3 Southern African Development Community(SADC)

فرصت‌ها

شرایط و موقعیت سیاسی - امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - توسعه‌ای حاکم بر آفریقای سیاه در حال حاضر باعث کاهش هزینه‌های همکاری ایران با این بخش از جهان شده است.

در سال‌های اخیر، کشورهای توسعه‌یافته، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین سازمان‌های غیردولتی کمک‌های متعددی را به آفریقا در راستای مطالعه و عملی کردن کاهش درگیری‌ها و جنگ‌ها در آفریقا نموده‌اند. حضور نیروهای بین‌المللی و منطقه‌ای حافظ صلح، آموزش نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا و غیره با انجام هزینه‌های گزاف عملی شده که در مجموع درجه‌ای از ثبات و امنیت در قاره سیاه را باعث گردیده است. همین‌طور اعطای کمک‌های بهداشتی، آموزشی، غذایی، پوشاک و دارو به جنگ‌زدگان، اسکان آوارگان، مبارزه با حوادث طبیعی، محیط‌زیست، بیماری‌ها و غیره به‌طور طبیعی میزانی از آسودگی و آرامش روانی در نزد اتباع خارجی علاقه‌مند به حضور در آفریقا را فراهم ساخته است. از سوی دیگر، امتیازات تجاری و اقتصادی که دیگران برای آفریقا در نظر گرفته‌اند (همچون قانون فرصت و رشد آفریقایی توسط آمریکا (AGOA)، دسترسی آزاد به بازار ژاپن توسط دولت ژاپن، ابتکار هر چیز به‌جز تسلیحات توسط اتحادیه اروپا، طرح بخشش بدهی‌های بین‌المللی آفریقا (HIPC) توسط صندوق بین‌المللی پول، کمک‌های توسعه‌ای (ODA) به پروژه‌ها و یا بودجه سالانه کشورهای آفریقایی، زمینه کلی کاهش هزینه و تحمل ریسک همکاری را برای همگان، از جمله ایرانیان در آفریقای سیاه فراهم آورده است (ابوطالبی، ۱۳۸۶).

امروزه، بازار آفریقای سیاه به‌مراتب امن‌تر و باثبات‌تر از گذشته است. اقتصادهای ضعیف آفریقایی تحرک بیشتری یافته‌اند، فضا برای تمام اتباع خارجی (به‌دلیل اعلام مناقصه‌های بین‌المللی) به‌منظور حضور در بازار آفریقا فراهم شده، همه اقشار آفریقایی، از جمله مسلمانان قدرت مشارکت در بازار آفریقا را یافته‌اند و میزان سلامت، بهداشت و آموزش در جوامع آفریقایی افزایش یافته است. بدین ترتیب، آمادگی نداشتن ایرانیان برای حضور در بازارهای آفریقای سیاه با توجه به توانایی آنان در پرداخت هزینه و تحمل خطر همکاری و نیز کاهش موانع پیش‌روی ایشان در بازارهای یادشده، قابل چشم‌پوشی نیست.

عموم تحلیلگران آفریقا بر این باورند که این قاره بنا به خصوصیات ذاتی خود همواره به‌صورت فرصت در برابر جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده و می‌باشد. از یک سو،

کشورهای آفریقایی در زمره کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته قرار می‌گیرند و برخی از آنها عضو غیرمتعهدها هستند، در همین حال کشوری چون آفریقای جنوبی از نظر توسعه اقتصادی جزء بیست کشور نخست جهان است؛ از سوی دیگر، به سبب داشتن روابط دیرینه تجاری، فرهنگی، مذهبی و سیاسی سالم با ایران، ایرانیان نزد آفریقایی‌ها دارای جایگاه مثبت و به لحاظ سیاسی و فرهنگی مورد پذیرش حاکمان و مردم آفریقا هستند. گذشته از زمینه قابل پذیرش سیاسی و فرهنگی در آفریقا در قبال حضور ایران و ایرانیان در آن قاره، از نظر اقتصادی نیز با توجه به دلایل زیر زمینه حضور ایران در کشورهای آفریقایی فراهم است:

۱. در حال حاضر اقتصاد ایران دارای تولید مازاد است که قابلیت صادرات به بازارهای آفریقایی را دارد.
 ۲. کالاهای ایرانی به لحاظ کیفیت و قیمت قابلیت رقابت با کالاهای کشورهای رقیب در بازارهای آفریقایی را دارند.
 ۳. توانایی‌های فنی و مهندسی ایران در ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌تواند به آفریقا صادر شوند.
 ۴. ایران به لحاظ استعداد و توانایی مالی خود قادر است به شکل مستقیم و غیرمستقیم در طرح‌های آفریقایی سرمایه‌گذاری کند. همچنین به دلیل امکانات موجود در ایران توان برقراری هرگونه روابط مالی و بانکی (همچون تأسیس بانک ایرانی، راه‌اندازی شعبه یا دفاتر نمایندگی بانک‌های ایرانی در آفریقا) را با آفریقا دارد؛ ضمن اینکه مازاد درآمد ارزی ایران می‌تواند به منظور مشارکت در برنامه‌های خصوصی‌سازی در کشورهای آفریقایی به کار گرفته شود.
 ۵. حضور مشترک ایران و کشورهای آفریقایی در نهادهای مالی بین‌المللی، همچون بانک توسعه اسلامی و بیمه توسعه اسلامی (هم‌اکنون ۲۷ کشور آفریقایی عضو این دو نهاد هستند) زمینه مشارکت طرفین در طرح‌های اقتصادی با استفاده از تسهیلات بین‌المللی را فراهم آورده است.
- در مجموع، هر عامل داخلی و یا خارجی که باعث تسریع و افزایش حضور جمهوری اسلامی ایران در آفریقا گردد، فرصت تلقی می‌شود.

تهدیدها

همکاری تجاری و اقتصادی با کشورها همانند سایر همکاری‌ها با چالش‌ها و تهدیدهای زیادی روبه‌روست. نبود برنامه و اهداف مشخص در برقراری ارتباط با کشورها همانند ورود بدون نقشه در جنگل است که آثار زیانباری در پی خواهد داشت و این خود اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین تهدید در روابط اقتصادی با کشورهاست. همان‌طوری که کشور چین برای رسیدن به اهداف خود در آفریقا با چالش‌های فراوانی مواجه است، سایر کشورها، از جمله ایران نیز برای فعالیت در آفریقا با مسائل و خطرپذیری‌های گوناگونی مواجه خواهند بود. اگر چین با مشکل تایوان در سازمان ملل و رقابت برای تسلط بر انرژی با اروپا و آمریکا و «آدم‌ربایی» (B.B.C., 2007: 2-4) در آفریقا روبه‌روست، ایران نیز با مشکلاتی همچون نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در این قاره مواجه است. ورای مسائل و تهدیدهای یادشده، باید گفت مهم‌ترین عامل و یا عوامل تهدیدکننده منافع جمهوری اسلامی ایران در آفریقا، رفتار و عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی ایران است. بی‌علاقگی به حضور مؤثر در آفریقا، نبود انگیزه برای داشتن روابط اقتصادی با آن، ناآگاهی از امکانات بالقوه مادی و معنوی قاره سیاه، نداشتن آمادگی برای هزینه و برنامه‌ریزی برای کسب درآمد در آینده، عدم ظرفیت‌سازی برای رقابت، بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی آفریقا و سازگاری آن‌ها با استعداد و قابلیت‌های ایرانی و... از عوامل حضور کم‌رنگ ایران در آفریقاست و بدیهی است بدون حضور فیزیکی نمی‌توان انتظار داشت منافع ملی در یکی از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان تحقق یابد. به عبارت دیگر، با فرافکنی مشکل و چشم‌پوشی از نقش منفی عوامل خودی، نه تنها هیچ کشوری نمی‌تواند از منافع ملی دفاع کند، بلکه خود تهدیدی بزرگ‌تر از تهدیدهای نام‌برده می‌شود. در مجموع، باید گفت هر عامل داخلی و یا خارجی که حضور ایران را در آفریقا به تأخیر اندازد و یا کاهش دهد، تهدید محسوب می‌شود.

واقعیات

امکانات بالقوه آفریقا می‌تواند در آینده، بخشی از نیازهای وارداتی جمهوری اسلامی ایران را تأمین کند. بسیاری از کالاهای مورد نیاز را می‌توان ارزان‌تر از مشابه آن در این قاره خریداری کرد. این عمل هم کار را برای صادرات آسان‌تر می‌سازد و هم بازار مصرفی برای محصولات ایرانی در سرتاسر آفریقا فراوان است. واردات چوب، کاغذ و خمیر کاغذ از گابن، گوشت گاو از بوتسوانا و اتیوپی، پنبه از مصر، تانزانیا، مالاوی، بروندي و رواندا،

نخود و سیر و چای و قهوه از اوگاندا و کنیا و مواد شیمیایی و آهن‌آلات از آفریقای جنوبی می‌تواند مورد توجه واردکنندگان ایرانی باشد.

در زمینه گردشگری، در شمال و جنوب آفریقا زمینه‌های فراوانی یافت می‌شود و اگر امکانات آسان رفت و آمد میان ایران و آفریقا فراهم شود (به‌اندازه یک‌هزارم امکانات آمد و شد میان ایران و امارات و یا یک‌صدم امکانات تردد میان ایران و اروپا) و کشورهای منطقه و ایران برای تبادل جهانگرد به توافق برسند، گام‌های بزرگ در روابط آفریقا و ایران برای شناخت ملت‌ها از یکدیگر برداشته خواهد شد.

بدیهی است تجارت با آفریقا نیازمند پشتیبانی ترویجی و خدمات اطلاعاتی مرکز توسعه صادرات ایران، حمایت صندوق ضمانت صادرات، دریافت اطلاعات مناسب از نمایندگی‌های سیاسی، ایجاد تسهیلات هواپیمایی و کشتیرانی و حمایت‌های مشابه است. نقش رسانه‌های جمعی برای معرفی درست آفریقا و فرستادن گروه‌های تحقیقاتی برای مطالعه بازار و نوع همکاری با این قاره در تحقق اهداف سیاست خارجی ایران بسیار مهم است.

صحنه پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در آفریقای سیاه دارای مشخصات زیر است:
 ۱. براساس آمار منتشرشده از سوی وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران، در حالی که در سال ۱۳۸۵ کل واردات ایران از جهان حدود ۴۰ میلیارد دلار بوده، در همین سال واردات ایران از قاره آفریقا حدود ۴۰۰ میلیون دلار، یعنی حدود ۱ درصد کل واردات کشور بوده است.

۲. در سال ۱۳۸۵ کل صادرات غیرنفتی ایران به بازارهای جهانی حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده که تنها ۳۰۰ میلیون دلار از آن به صادرات به آفریقا اختصاص داشته که رقمی در حدود ۲ درصد از کل را تشکیل می‌دهد.

۳. مجموع تجارت ایران با آفریقا در شش‌ماهه اول سال ۱۳۸۶ حدود ۱۲ درصد در مقایسه با مدت مشابه در سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است.

۴. ایران در حال توسعه و بیشتر کشورهای آفریقا توسعه‌نیافته هستند. موفقیت در همکاری اقتصادی و تجاری با آفریقا منوط به پذیرش خطرهای احتمالی با این‌گونه کشورهاست. در این صورت، پرداخت هزینه‌هایی از این دست در همکاری بلندمدت، به افزایش قدرت جولان مستقل آفریقا در صحنه روابط با دیگران منجر خواهد شد. گفتنی است که ایران به‌طور بالقوه و بالفعل برای کاهش هزینه‌های یادشده فرصت‌هایی را پیش‌رو دارد. به‌عبارت روشن‌تر، توانایی‌های بالقوه ایران از یک

سو و از سوی دیگر، توانمندی ناشی از همکاری آفریقای سیاه با دیگران، فرصتی مناسب برای ایران ایجاد کرده تا با کمترین هزینه و تحمل خطر، با آفریقای سیاه همکاری کند.

نبود اراده و استراتژی

ناآگاهی از امکانات بالقوه موجود در آفریقا یکی از اساسی‌ترین موانع بر سر راه گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی ایران با آفریقا به‌شمار می‌رود؛ اما نبود اراده در بین کارگزاران کشور مانعی بزرگ‌تر از نداشتن شناخت از این قاره است؛ زیرا با وجود دهه‌ها نمایندگی سیاسی، فرهنگی و مذهبی ایران در آفریقا، عدم شناخت از این قاره نزد سیاستمداران توجیه‌پذیر نیست، مگر اینکه این نمایندگی‌ها فاقد کارایی باشند و حضورشان در منطقه تنها هزینه‌ای بر دوش ملت ایران بگذارد.

اگر فرض کنیم تمامی این نمایندگی‌ها کارایی لازم را ندارند، باز هم بی‌اطلاعی از قاره کهن توجیه‌پذیر نیست؛ زیرا به‌برکت وجود رسانه‌ای چون اینترنت، هیچ عذری باقی نمی‌ماند، مگر اینکه دست‌اندرکاران توان استفاده از این رسانه فراگیر را نداشته باشند.

البته باید پذیرفت که علت عدم شناخت و یا وجود فرصت‌های بهتر در دیگر نقاط جهان بسیاری از افراد تمایلی به حضور در این قاره ندارند ولی بسیاری از کارشناسان و کارگزاران با جان و دل برای گسترش روابط با این قاره تلاش می‌کنند. با این حال، وقتی گزارش‌های خوب و بد همین نمایندگی‌ها در بایگانی‌ها خاک می‌خورند و مشمول مرور زمان و مورد بی‌مهری مسئولان مؤثر در سیاستگذاری قرار می‌گیرند و هنگامی که برخی از مسئولان وزارت امور خارجه از نبود اراده قوی برای توسعه همکاری اقتصادی و تجاری در میان کارگزارانی خبر می‌دهند که امکانات مالی، بیمه‌ای و ترابری کشور را در اختیار دارند، دیگر بحث شناخت و چه باید کرد درباره آفریقا و یا توانمندی نمایندگی‌های کشور در این قاره بیهوده خواهد بود. اما اگر مراکز تحقیق مستقل، دانشگاه‌ها و رسانه‌های گروهی از همان ابتدا آفریقا و واقعیات آن و زمینه‌های همکاری را به‌درستی منعکس کنند، مسئولان اقتصادی برای تصمیم‌گیری در همکاری با آفریقا تحت فشار قرار خواهند گرفت.

پرسشی که اکنون به ذهن می‌رسد این است که رسانه‌های ملی چه درصد از برنامه‌های خود را به مسائل آفریقا اختصاص داده‌اند؟ قطعاً پاسخ به این پرسش بهتر از واژه «هیچ و با اندکی تساهل ناچیز» نخواهد بود. بیشترین کاری که رادیو و تلویزیون

انجام می‌دهد، پوشش خبری سفر رئیس جمهور و یا برخی از وزرا به آفریقاست و آن نیز برای گسترش روابط نبوده، بلکه جنبه تبلیغی دارد. بنابراین، بازنگری به رویکرد مراکز تحقیق و رسانه‌ای در برخورد با آفریقا برای فراهم کردن بستر همکاری اقتصادی امری ضروری است و لازمه آن نیز استقرار چند گروه خبری، از رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری در چند نقطه مهم اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی آفریقا است. در صورت بروز چنین تحولی پخش گزارش‌های ارسالی آنان و به دنبال آن تصمیمات جدی مسئولان در مسائل مالی و تضمین‌های اقتصادی می‌توان سرآغاز فعالیت اقتصادی ایران را در آفریقا انتظار داشت؛ زیرا تا شناخت کافی از آفریقا در بین مردم، تجار و مسئولان نباشد، نه تنها برنامه‌ریزی درست اقتصادی برای این قاره پهناور امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه در بین دست‌اندرکاران مؤسسات مالی دولتی و بخش خصوصی نیز رقابتی برای کار اقتصادی در آفریقا فراهم نخواهد آمد.

نتیجه‌گیری

بررسی آماری روابط اقتصادی ایران با آفریقا نشان می‌دهد هیچ‌گونه همخوانی میان شعار و یا نظریه با عمل وجود ندارد. سطح گسترده روابط اقتصادی با آفریقا و سرمایه‌گذاری دیگر بازیگران جهان در این قاره نشان‌دهنده آن است که دیگران آفریقا را به دید فرصت می‌نگرند و جمهوری اسلامی ایران آن را هنوز فرصت تلقی نمی‌کند. شواهد حاکی از آن است که تحقیق و پژوهش در خصوص اقتصاد این قاره بسیار کم انجام شده است و اگر کسی بخواهد در خصوص وضع اقتصادی این قاره تحقیق کند تنها باید به آمار مؤسسات مالی استناد کند که بعضاً غیرکارشناسی است.

با توجه به آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۳، کل میانگین واردات ایران از پنج قاره جهان حدود ۲۴۶۱۳ میلیون دلار و کل میانگین صادرات کشور به جهان حدود ۵۰۷۴ میلیون دلار بوده است که از این مبلغ میانگین واردات ایران از آفریقا حدود ۷ درصد و صادرات به آن قاره حدود ۲ درصد بوده است. بنابراین، در مقایسه با چهار قاره دیگر، قاره سیاه از نظر حجم روابط اقتصادی جایگاهی در ایران ندارد. اینکه چه عواملی موجب بی‌رونقی روابط ایران و آفریقا شده، بسیار روشن است و آن نبود برنامه‌های راهبردی کوتاه و درازمدت، بی‌اطلاعی مسئولان از امکانات بالقوه آفریقا و تمایل نداشتن دست‌اندرکاران اقتصادی و بی‌توجهی رسانه‌های ملی در پوشش درست مسائل آفریقا در ایران است؛ در حالی که قابلیت‌های موجود در آفریقا

برای همکاری تجاری و اقتصادی و نیز تورم ناشی از وارد شدن ارز در بازار داخلی، می‌طلبید که بخشی از درآمد مازاد فروش نفت در آفریقا سرمایه‌گذاری شود تا هم نیروی کار ماهر و دانش فنی کشور در این قاره به کار گرفته شود و هم محصولات صنعتی، کشاورزی و پوشاک بازار تازه‌ای پیدا کنند.

مطالبی که ذکر شد پیش از این نیز کارشناسان دیگری گفته‌اند با این تفاوت که عده‌ای با خوش‌بینی و عده‌ای نیز با بدبینی بیان کرده‌اند؛ اما در این گفتار سعی شده است که هر دو وجه مسئله فارغ از جنبه‌های منفی و مثبت آن مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در نظر داشتن ابعاد مختلف هر مسئله‌ای به پیشرفت و تعالی آن کمک می‌کند؛ چنان‌که جرج برنارد شاو گفته است: «خوش‌بین‌ها و بدبین‌ها هر دو به بشر خدمت کرده‌اند؛ اولی با اختراع هواپیما و دومی با اختراع چتر نجات.» اما نباید از نظر دور داشت که آنچه در این گفتار آمده، پیشتر، کم و بیش از سوی آگاهان به امور بیان شده است؛ اما متأسفانه این یادآوری‌های دلسوزانه به‌ندرت وجهه همت تصمیم‌گیرندگان کشور قرار گرفته است و این تجربه تلخ یادآور این سخن آندره ژید است که می‌گوید: «همه چیز قبلاً گفته شده؛ اما چون کسی گوش نکرده است دوباره برمی‌گردیم و تکرار می‌کنیم.» به امید روزی که پیشنهادهای کاربردی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان ایران و آفریقا به کار گرفته شود تا بیشتر شاهد تحقق شعارها و نظرها باشیم.

پیشنهادها

آنچه تاکنون از سوی مقامات ارشد کشور در خصوص همکاری با آفریقا گفته شده، همه گویای تمایل شدید جمهوری اسلامی ایران در گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای آفریقا است؛ اما این تمایلات نه تنها تأثیری در این نوع همکاری‌ها نداشته، بلکه هیچ استراتژی خاصی برای رسیدن به این هدف تدوین نشده است. همان‌طور که پیشتر گفته شد برای گسترش روابط اقتصادی با آفریقا نیاز به الگوبرداری از کشورهای موفق همچون چین است؛ بنابراین، توصیه‌های زیر برای اجرایی شدن آن بیان می‌شود:

۱. ایجاد مرکز مطالعات اقتصادی متشکل از کارشناسان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی آفریقا زیر نظر محققان باسابقه برای تدوین استراتژی اقتصادی و سپس ارائه آن به دولت برای اجرا. این مرکز ضمن بررسی گسترش همکاری با کشورهای آفریقا باید طرح‌های همکاری مجامع و مؤسسات مالی بین‌المللی در آفریقا را نیز مطمح نظر

قرار دهد. با توجه به گشایش سفارتخانه‌های زیادی در طول سی سال گذشته در آفریقا و اعزام صدها سفیر، کارشناس سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به این قاره، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تأمین‌کننده مؤثر کارشناس برای ایجاد چنین مؤسسه‌ای باشد. به یقین ایجاد بانک اطلاعات پردازش شده اساسی‌ترین وظیفه این مرکز خواهد بود تا محققان بتوانند به آسانی به آن دسترسی داشته باشند.

۲. برقراری ارتباط میان مؤسسات علمی و پژوهشی ایران با مؤسسات علمی و پژوهشی آفریقا برای تبادل اطلاعات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛
۳. بررسی طرح‌های کوتاه‌مدت و درازمدت کشورهای موفق در امر تجارت در آفریقا؛
۴. بررسی گسترش راه‌های حمل و نقل هوایی و دریایی میان ایران و آفریقا؛
۵. تأسیس صندوق مشترک سرمایه‌گذاری در آفریقا برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های مشترک عمرانی و خدماتی؛
۶. شناسایی تجار آفریقایی علاقه‌مند به همکاری با ایران و معرفی آن‌ها به بازرگانان ایرانی؛
۷. اعزام گروه‌های مهندسی کارخانجات فولاد، مس، طلا و سایر سنگ‌های معدنی برای شناسایی و ایجاد همکاری در آینده؛
۸. بررسی چگونگی کاهش و یا حذف تعرفه‌های کالاهای وارداتی از آفریقا؛
۹. تقویت بخش اقتصادی سفارتخانه‌های ایران در آفریقا؛
۱۰. ایجاد مرکزی برای بررسی علل عدم گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی و مرتفع ساختن مشکلات؛
۱۱. برگزاری میزگردهای اقتصادی و سیاسی با حضور کارشناسان ایران و آفریقا در رادیو و تلویزیون و داشتن خط تبلیغی مناسب در نشریات و ایجاد سایت مناسبات تجاری و اقتصادی میان ایران و آفریقا از عوامل مؤثر در گسترش همکاری‌های ایران با قاره سیاه است.

منابع

- آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران در سایت www.irica.gov.ir
- ابوطالبی، مرتضی (۱۳۸۶)؛ «نگاه ایران به آفریقا»، (سخنرانی مرتضی ابوطالبی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه).
- امیدوارنیا، محمدجواد؛ (۱۳۸۳) «نگاهی به روابط چین و آفریقا»، فصلنامه مطالعات آفریقا؛ ش ۱۰، پاییز و زمستان.
- بخشی، احمد، (۱۳۸۱)، سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی (با تاکید بر آفریقا) تهران، مرکز مطالعات آفریقا.
- پاک‌آیین، محسن (۱۳۷۷)؛ «سیاست و حکومت در آفریقا»، اول، تهران، نشر نقطه.
- پاک‌آیین، محسن (۱۳۸۳)؛ سیاست خارجی ایران در آفریقا: در www.basggah.net
- دهقانی، محمود (۱۳۸۵)؛ «نگاه شرقی مصر»، مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در www.csr.ir.
- شکیب، رضا، (۱۳۸۳) "تاثیر زبان و فرهنگ فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی آفریقایی"، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۰ پاییز و زمستان.
- انوشه، صبری (۱۳۸۵) "نفت آفریقا در صحنه رقابت جهانی"، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۴ پاییز و زمستان.
- علمی، محمد، (۱۳۸۶)، استراتژی اقتصادی چین در آفریقا و درسهای ناشی از آن، سایت سازمان توسعه تجارت خارجی ایران www.tpo.ir
- کردآبادی، علی (۱۳۸۵)؛ «بررسی آماری روابط ج.ا. ایران و کشورهای آفریقایی پس از انقلاب (۸۳-۱۳۵۸)»، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۴.
- کناره، عمر " آفریقا در پی یکپارچگی پول، زبان، سیاست خارجی"، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۵.
- مهاجر، داریوش، "تلاش آمریکا جهت تسلط بر نفت آفریقا"، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۰.
- نمایه آماری سازمان توسعه تجارت ایران.
- "African Religion on the Internet", **Encyclopedia Britannica**, World Book Encyclopedia, Stanford University.
- "China's Emeriging Interests in Africa: Opportunities and Challenges for Africa and the United States". Drew Thompson. In: <http://www.hollerafrica.com>
- **Chinese Workers freed in Nigeria** (<http://news.bbc.co.uk>). 4/2/2007
- **China set to become world's champion exporter in 2008: trade body**. Agence France Presse. (Mon Feb 5,2007)

-
- **Inter Press Service** (Johannesburg) NEWS (January 29, 2007)
 - Michael Klare and Danil volman (**Wall St Journal** 2006)
 - Sayre, April Pulley. (1999) **Africa**, Twenty-First Century Books.
 - U.S. Library of Congress1
 - “**The Power & Interest** News Report”, (PINER 20th March 2006)
 - - “World Population Prospects: The 2006 Revision” United -
 - <http://en.wikipedia.org/wiki/Africa>

